

بررسی عوامل انگیزشی مؤثر

بر جذب نوجوانان در بسیج

دکتر محمد حسن البلیسی

حسن طاهری

چکیده:

در این تحقیق به منظور شناسایی مهمترین عوامل انگیزشی تأثیرگذار بر جذب نوجوانان در نیروی مقاومت، از بین کلیه ی نوجوانان شرکت کننده در چند دوره ی آموزشی، نمونه ای به حجم ۲۰۰ نفر انتخاب گردید. سپس سطح انگیزه های مختلف آنان، و نیز عوامل فردی و سازمانی مؤثر بر آن انگیزه ها، با استفاده از یک مقیاس دارای اعتبار (validity) و پایایی (reliability) مورد اندازه گیری قرار گرفت. داده های حاصل با استفاده از چند آزمون آماری و به کمک نرم افزار رایانه ای «spss» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل بیانگر آن بود که برخی از انگیزه های روانی - اجتماعی نقش مهمی در سوق دادن جوانان به نیروی مقاومت بسیج دارد. افزون بر آن، یافته ها نشان داد که هم عوامل درون نیروی مقاومت و هم عوامل فردی موجب گرایش یا عدم گرایش نوجوانان، به بسیج می شود.

کلیدواژه ها: انگیزش^(۱) انگیزه های روانی - اجتماعی^(۲) انگیزه های دینی^(۳) جذب^(۴) نوع عضویت

(1) motivation (2) psycho- social motives (3) religions motive (4) attraction

مروری بر ادبیات موضوع

فرانکین^(۱) (۲۰۰۲) براین باور است که انگیزش، مجموع عوامل هشیار و ناهشیار است که رفتار افراد را به سوی اهداف معینی سوق می دهد.

از مجموعه ی تعاریف به دست آمده می توان نتیجه گرفت که انگیزه، یک عامل روانی عصبی - اجتماعی^(۲) است که چرایی رفتار افراد را در

موقعیت های معین تبیین می کند. این عامل هم می تواند

مبنای زیست شناختی^(۳) داشته باشد (آنگونه که هب

معتقد است)، هم مبنای روان شناختی (آنگونه که

راپاپورت گزارش می کند) و هم مبنای ناهشیارانه

(آنگونه که فرانکین معتقد است).

مؤلفه های انگیزش، همانند خود مفهوم انگیزش، از

زوایای مختلفی مورد مذاقه قرار گرفته است. کتل^(۴) (نقل از خداپناهی، ۱۳۷۶) مؤلفه های

اساسی انگیزش (و رفتار انگیزشی) را به شرح زیر فهرست می نماید:

۱- موقعیت (محیط و محرک های بیرونی).

۲- مزاج^(۵) (حالت و وضعیت درونی ارگانیزم).

۳- هدف^(۶) (منظور و مقصد انگیزش).

۴- ابزار^(۷) (روش ها و امکانات دست یابی به هدف).

اما، فرانکین (۲۰۰۲) مؤلفه های اساسی انگیزش را به دو دسته تقسیم می کند. در نوع

اول، او مؤلفه های انگیزش را به دو دسته هشیار و ناهشیار و در نوع دوم به مؤلفه های

عصب - شناختی^(۸) و روان شناختی تقسیم می کند.

گرچه بسیاری از روان شناسان نظریه پرداز، انگیزش^(۹) را علت فرضی رفتار می دانند

(ریو،^(۱۰) ترجمه سید محمدی، ۱۳۷۶)، اما هر یک از آنان تعریفی ویژه از این سازه

انگیزش عاملی است
که آدمی را برمی انگیزد، به
فعالیت وامی دارد و او را
به سوی رفتاری معین
سوق می دهد

(1) Franken (2) Biopsychosocial (3) Biological (4) Cattell (5) Disposition
(6) Intention (7) Instrument (8) Neurological (9) Motivation (10) Reeve

روان‌شناختی^(۱) به دست می‌دهد. به عنوان مثال مورفی^(۲) (۱۹۷۴)، به نقل از خداپناهی، (۱۳۷۶) معتقد است که انگیزش، رفتار ارگانیزم را بر اساس ماهیت او به سوی مقاصد معینی سوق می‌دهد. هب^(۳) (۱۹۶۶)، عصب - روان‌شناسی که پدیده‌ها و کنش‌های روان‌شناختی را از زاویه‌ی مغز - رفتار مورد تحلیل قرار می‌دهد، انگیزش را گرایش موجود زنده به ارایه‌ی فعالیت منظم می‌داند که از سطوح پایین هشیاری (نظیر خواب) تا عالی‌ترین سطح تحریک و برانگیختگی (گوش به‌زنگی) آدمی را تبیین می‌کند. گرامن^(۴) (۱۹۸۹) نیز انگیزش را عاملی می‌داند که آدمی را برمی‌انگیزد، به فعالیت و او را به سوی رفتاری معین سوق می‌دهد. راپاپورت^(۵) (۱۹۹۰) انگیزه را نوعی اشتها و عطش درونی تلقی می‌کند. آلپورت^(۶) (۱۹۸۴)، به نقل از پتری، (۱۹۸۶) نیز انگیزه را نوعی وضعیت^(۷) درونی می‌داند که رفتار و تفکر آدمی از آن نشأت می‌گیرد. سرانجام به هر صورت بسیاری از کسانی که تحقیق در مورد انگیزش و عناصر و مؤلفه‌های آن را وجهه همت خویش قرار داده‌اند تأکید می‌کنند انگیزش یک سازه یا مفهوم روان‌شناختی است که در بر گیرنده‌ی چند عنصر اساسی است و لاجرم درک آن خبر با درک و تحلیل آن عناصر میسر نخواهد شد. به ویژه، در چند سال اخیر، برخی محققان (نظیر لوک،^(۸) ۲۰۰۱) این گرایش پدید آمده است که انگیزش را همانند نگرش^(۹) به منزله‌ی یک پدیده‌ی سه‌عنصری^(۱۰) بنگرند که در برگیرنده‌ی عناصر شناختی،^(۱۱) عاطفی، هیجانی^(۱۲) و رفتاری^(۱۳) است. بنابراین، آنان تأکید می‌کنند که در انگیزش نقش عنصر عاطفی - هیجانی بسیار برجسته‌تر از عناصر دیگر است. افزون بر آن، آنان تأکید می‌کنند که انگیزش دارای جلوه‌های مختلفی است که اغلب جلوه‌ی هیجانی آن نمایان‌تر از سایر جلوه‌ها است.

دیدگاه‌های نظری انگیزش

دیدگاه‌های مختلفی درباره‌ی انگیزش، فرمول‌بندی شده‌اند؛ هال،^(۱۴) بانی نظریه‌ی

- (1) Psychological Construct (2) Murphy (3) Hebb (4) Graumann (5) Rapaport
(6) Alport (7) Situation (8) Locke (9) Attitude (10) Three Elements
(11) Cognitive (12) Affective / Emotional (13) Behavioral (14) Hall

کاهش سابق،^(۳) یکی از نظریه پردازانی است که به تفصیل به بحث در مورد انگیزش پرداخته است.

حال برای تبیین رفتار و نقش انگیزش در بروز آن فرمولی بدین شرح ارائه نمود:

$$SEV = SHV \times D \times K$$

از نظر حال (SEV) جنبه های قابل مشاهده ی رفتار،

(SHV) نیرومندی پیوند بین محرک و پاسخ، D سابق

و K محرک انگیزش (انگیزش) است. از نظر

حال (D) و (K) هر دو اصطلاحات انگیزشی

هستند. تفاوت اصلی این دو آن است که (D)

ریشه در توانمندی ها و قابلیت های

فیزیولوژیکی دارد در حالیکه K عمدتاً تحت

تأثیر عوامل محیطی است. (ریو، ۱۳۷۶، ص ۲۷)

فرمول ارائه شده توسط حال از انعطاف لازم برای

تبیین هر رفتاری برخوردار است. برای مثال جذب در بسیج را می توان معادل بروز

واکنش (SEV) دانست که تابع عواملی نظیر آموزش شیوه ی پیوستن به بسیج و

فراهم ساختن شرایط (SHV)، تمایل درونی فرد (D) و عوامل برانگیزاننده ی بیرونی و

درونی (K) است. به تعبیر روشن تر، از نظر حال چنانچه انگیزه ی فرد برای انجام رفتاری

صفر باشد هرگز این رفتار از او سر نخواهد زد.

بیندرا^(۴) (۱۹۸۶) دیدگاهی فیزیولوژیک در مورد انگیزش و نقش آن در هدایت و

استمرار رفتار ارائه داده است. او معتقد است که انگیزه، حاصل پیوند جریان های عصبی و

تحریک های محیطی است. فرضیه ی اصلی او را در تبیین انگیزش نوعی حالت

تقویت کنندگی است که متأثر از مکانیسم های عصب - روان شناختی (نوروپسیکولوژی)

است.

انگیزش

علت اصلی رفتار است،

خواه توسط عوامل و شرایط

محیطی ایجاد شده باشد،

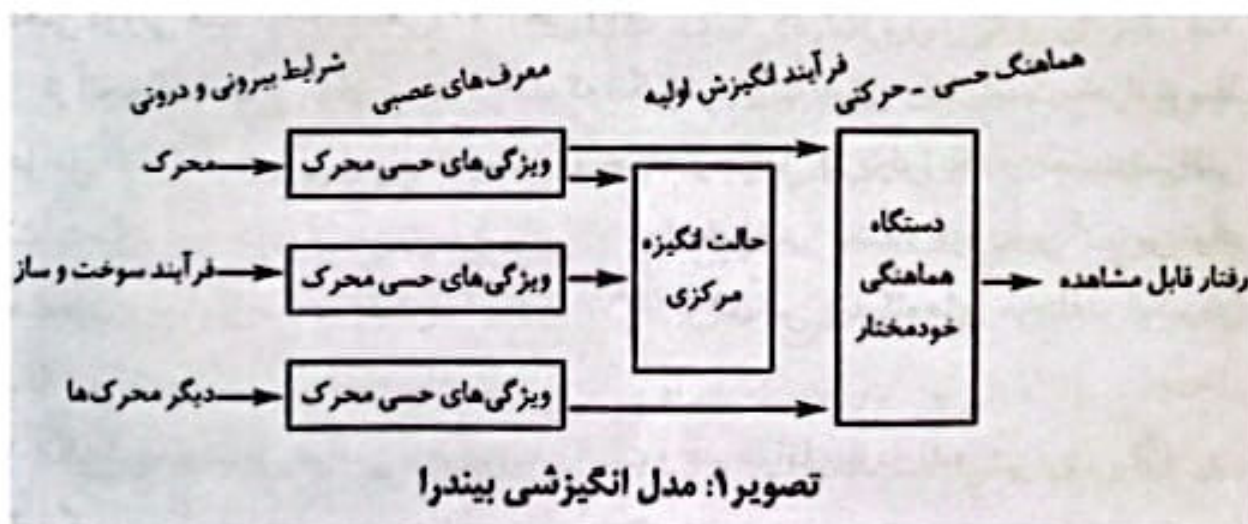
و خواه از عوامل فیزیولوژیک

و عصب شناختی نشأت بگیرد

و خواه متأثر از عوامل اجتماعی و

روان شناختی باشد

بیندرا در مدل انگیزش خود به توصیف دو مسیری پرداخته است که به باور او در تحریک و هدایت رفتار ارگانیزم نقش دارند. او مسیر اول را مسیر حسی - حرکتی مستقیم،^(۱) و مسیر دوم را مسیر حسی - انگیزشی - حرکتی غیر مستقیم^(۲) نام نهاده است. تارهای اولین مسیر با تارهای آورنده دستگاه هماهنگ کننده ارتباط مستقیمی پیدامی کنند. اما، تارهای مسیر دوم ابتدا با حالت انگیزه‌ی مرکزی ارتباط پیدا می کنند. سپس حالت انگیزه‌ی مرکزی نقش برانگیزاننده یا بازدارنده‌ی رفتار را بازی



می کند. (خداپناهی، ۱۳۷۶ ص ۳۸)

مدل انگیزشی بیندرا بیانگر آن است که هم محرک‌های بیرونی و هم محرک‌های درونی (و تعامل آنها با یکدیگر) سیستم عصبی آدمی برای بروز، یا بازداری، کنش یا کنش‌های مختلف نقش دارند. بر اساس این مدل وقتی سیستم عصبی به حد بهینه از طریق محرک‌های انگیزشی (خواه درونی یا بیرونی) برانگیخته شود، ناگزیر رفتار از خود سر خواهد زد.

رفتارگرایان^(۳) نیز در صدد تبیین انگیزش، و نقش آن در بروز رفتار، برآمده اند. گرچه، رفتارگرایان وجود عوامل انگیزشی درونی را تبیین رفتار نادیده نمی گیرند، اما تأیید می کنند که علت اصلی رفتار را باید در بیرون، و نه درون افراد جستجو کرد. مثلاً، آنها

(1) Directive Sensory- Motor Voute

(2) Non Directive Sensory- Motivation Voute

(3) Behaviorists

تأکید می کنند که پول، پاداش های مختلف، ترس از تنبیه، دست یابی به موقعیت شغلی، کسب امتیاز و جز آن همگی عوامل بیرونی هستند که افراد را برای انجام رفتارهای خاص برمی انگیزد (بارون،^(۱) ۱۹۹۲).

اما، شناخت گرایان^(۲) برخلاف رفتارگرایان علت های رفتار را در درون افراد جستجو می کنند.

طبق دیدگاه شناختی عوامل تعیین کننده ی انگیزش، هیجان و رفتار، افکار و فرایندهای ذهنی درونی هستند (خداپناهی، ۱۳۷۶ ص ۳۰).

از آنچه گذشت می توان نتیجه گرفت که انگیزش علت اصلی رفتار است، خواه توسط عوامل و شرایط محیطی ایجاد شده باشد، و خواه از عوامل فیزیولوژیک و عصب شناختی نشأت بگیرد یا متأثر از عوامل اجتماعی و روان شناختی باشد. افزون بر آن، می توان همچون ریو (ترجمه ی سید محمدی، ۱۳۷۶) بر اساس دیدگاه های مختلف انگیزش نکات و نتایج زیر را برجسته ساخت:

۱- انگیزش هم شامل عواملی برانگیزاننده است و هم عوامل بازدارنده.

۲- انگیزش یک فرایند پویاست نه ایستا.

۳- انگیزش هم می تواند خود انگیزخته و درونی باشد و هم ناشی از عوامل محیطی.

۴- نیرومندی انگیزش در گذر زمان و بر اثر عوامل مختلف دست خوش تغییر می شود.

۵- انگیزه ها اغلب دارای یک فرایند سلسله مراتبی هستند. در گذر زمان ممکن است انگیزه ی هریک از انگیزه ها در هدایت رفتار تغییر کند.

۶- انگیزه ها می توانند هشیارانه یا نا هشیارانه باشند.

۷- با آگاهی از انگیزه های افراد می توان به پیش بینی و کنترل رفتار آنان پرداخت.

انگیزه های مؤثر در گرایش به ارتش های مردمی

لباک^(۳) (۱۹۹۱) در تحقیقی در مورد انگیزه های اصلی نوجوانانی که به ارتش های

مردمی (شبه نظامی) پیوسته اند، نشان داده است که این انگیزه ها از یک کشور به کشور دیگر متفاوت از یکدیگرند.

با وجود این، او تأکید کرده است که انگیزه های درونی (نظیر انگیزه ی پیش رفت، قدرت و پیوستگی)، انگیزه ی دیونولوژیک و سیاسی و نیز انگیزه های اقتصادی، کمابیش در همه ی کشورهای مورد مطالعه نقش مهمی در سوق دادن نوجوانان و جوانان برای پیوستن به ارتش های مردمی دارند.

سه انگیزه ی روانی مورد اشاره ی لباک، مطالعات

وسیمی را به خود معطوف داشته است.

افراد دارای انگیزه ی

ملک کللند^(۱) (۱۹۸۵) و اتکینسون^(۲) (۱۹۸۶)

بیش رفت علاقه ی وافر برای

از جمله اولین کسانی هستند که به تفصیل به

مطالعه درباره ی این سه نوع انگیزه

پرداخته اند. آنان بر این باورند که افراد

دارای انگیزه ی پیش رفت علاقه ی وافر

برای دست یابی به موفقیت های چشم گیر

اجتماعی، تحصیلی و شغلی دارند. به همین سبب،

آنان از هر نهاد، تکلیف و فعالیتی که چنین موفقیت هایی را نصیب آنان سازد استقبال

می کنند. به ویژه این افراد عمدتاً رو به فعالیت هایی می آوردند که در آینده موفقیت های

مهمی را نصیب آنان سازد.

وینتر^(۳) (۱۹۸۷) معتقد است که انگیزه ی قدرت تعابلی است که افراد برای «تأثیر نهادن بر

دیگران و کنترل آنها» دارند. به باور او، نوجوانانی که از انگیزه ی قدرت بالایی برخوردارند

رو به فعالیت هایی می آورند که در آن شانس اداره کردن دیگران توسط آنها زیاد است.

اتکینسون (۱۹۸۶) تأکید می کند که انگیزه ی همبستگی (پیوند جویی) همانند سایر

انگیزه های روانی، و در برخی موارد حتی بیش از آن انگیزه ها، نوجوانان و جوانان را به

سوی فعالیت‌های دسته جمعی، و پیوستن به گروه‌های اجتماعی، اعم از سیاسی، صنفی و یا حتی نظامی، سوق می‌دهد. منظور از انگیزه همبستگی (پیوندجویی) ایجاد کردن، حفظ نمودن و برقراری رابطه‌ی عاطفی مثبت با شخص یا اشخاص دیگر است.

در ایران تحقیقات محدودی درباره‌ی انگیزه‌های مؤثر بر پیوستن نوجوانان و جوانان به بسیج صورت گرفته است. برای مثال زینالی و الیاسی (۱۳۸۰) در تحقیقی تحت عنوان «انگیزه‌های غالب بسیجیان» که بر روی نمونه‌های وسیع از بسیجیان سراسر کشور صورت گرفت نشان داده‌اند که هم انگیزه‌های معنوی، هم انگیزه‌های روانی و هم انگیزه‌های اجتماعی موجب گرایش نوجوانان و جوانان به بسیج می‌شود. بنابراین، سطح هریک از این انگیزه‌ها در افشار مختلف، گروه‌های اجتماعی جامعه متفاوت از یکدیگر است.

فرضیات تحقیق

- بر اساس چارچوب نظری، پژوهش‌های صورت گرفته و زمینه‌یابی از برخی کارشناسان، فرضیات این تحقیق به شرح زیر فرمول‌بندی شده است:
- ۱- بین میزان انگیزه‌های روانی (پیش‌رفت، همبستگی و قدرت) دختران و پسران در جذب به بسیج تفاوت معناداری وجود دارد؟
 - ۲- بین میزان انگیزه‌ی دینی پسران و دختران نوجوان در جذب به بسیج تفاوت معناداری وجود دارد؟
 - ۳- بین میزان انگیزه‌های اقتصادی پسران و دختران در جذب به بسیج تفاوت معناداری وجود دارد؟
 - ۴- بین میزان انگیزه‌های سیاسی پسران و دختران در جذب به بسیج تفاوت معناداری وجود دارد؟
 - ۵- سهم هریک از انگیزه‌های چهارگانه در جذب نوجوانان به بسیج متفاوت از یکدیگر است.

۶- بین میزان رضایت از فرماندهان و مدیران بسیجی و تمایل به ماندن در بسیج رابطه معناداری وجود دارد.

روش

آزمودنی‌ها

آزمودنی‌های این تحقیق، شامل ۲۰۰ نفر از نوجوانانی است که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای از بین ۶۰۰ نفر از شرکت‌کنندگان در چند دوره‌ی آموزشی بسیج انتخاب شدند. حجم نمونه بر اساس فرمول فیشر و در سطح خطای ۰/۰۱ برآورد شد.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

برای سنجش انواع انگیزه‌های آزمودنی‌های مورد بررسی از یک مقیاس ۲۵ ماده‌ای استفاده شد. این مقیاس از پنج خرده‌مقیاس تشکیل شده است. برای برآورد اعتبار (Validity) مقیاس از اعتبار سازه استفاده شد. برای این منظور

انگیزه‌های	مؤلفه‌های هریک از انگیزه‌ها بر اساس مبانی تئوریک
دینی و انگیزه‌های روانی	یقین، و بر اساس آن گویه‌ها تنظیم شدند. افزون
بیش از سایر انگیزه‌ها	برآن، از روش تحلیل عوامل (فاکتور آنالیز) برای
موجب گرایش نوجوانان	مشخص ساختن عوامل (خرده مقیاس‌ها) و
به بسیج	نامگذاری آنها استفاده شد. همچنین، برای برآورد
و جذب در آن نهاد	پایایی مقیاس (Reliability) از آزمون آلفای کرونباخ
می‌شوند	استفاده شد. نتیجه‌ی حاصل از محاسبه آلفای مقیاس

نشان داد که پایایی مقیاس ۰/۸۶ است. بنابراین، مقیاس از دقت اندازه‌گیری بالایی برخوردار است. افزون برآن، میزان آلفای هریک از پنج خرده مقیاس نیز محاسبه شد. نتیجه نشان داد که پایایی هیچ یک از آنها کمتر از ۰/۷۱ نیست.

یافته ها

در سطور زیر یافته های تحقیق به ترتیب فرضیات گزارش می شود:

۱- انگیزه های درونی

میزان سه انگیزه ی پیش رفت، قدرت و همبستگی (انگیزه های درونی) پسران و دختران با استفاده از آزمون آماری t مورد مقایسه قرار گرفت. نتیجه حاصل در جدول زیر درج شده است:

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجات آزادی	t	sig
پسران	۱۲۰	۲/۷۶	۰/۱۶	۱۷۸	۲۳	۰/۰۰۱
دختران	۶۰	۱/۸۰	۰/۱۲			

جدول شماره ۱: مقایسه ی انگیزه های درونی دختران و پسران بسیجی

یافته های جدول ۱ نشان می دهد که t محاسبه شده ($t=23$) در سطح $P < 0/001$ بزرگتر از t استاندارد است. بنابراین فرضیه ی اول تحقیق تأیید می شود. از این یافته می توان نتیجه گرفت که انگیزه های درونی (نیاز به پیش رفت، قدرت و پیوندجویی) پسران را بیش از دختران برای پیوستن به بسیج برمی انگیزد.

۲- انگیزه های دینی

برای آزمون فرضیه ی اول تحقیق که مدعی تفاوت میزان انگیزه های دینی دختران و پسران در جذب بسیج بوده از آزمون آماری t (t -test) استفاده شد. نتیجه ی حاصل در جدول ۲ درج شده است:

گروه	تعداد N	میانگین $\bar{x}$	انحراف معیار S	درجات آزادی df	t	sig
پسران	۱۰۲	۶/۸۶	۰/۳۶	۱۶۹	۱۷/۰۷	۰/۰۰۱
دختران	۶۳	۲/۷۸	۰/۳۱			

جدول شماره ۲: نتیجه ی حاصل از اجرای آزمون t برای مقایسه ی میزان نقش انگیزه ی دینی دختران و پسران در جذب به بسیج

دو فصلنامه مطهر

همان گونه که ملاحظه می شود t محاسبه شده ($t = 17/07$) در سطح $P < 0/001$ بزرگ تر از t استاندارد است. بنابراین فرضیه ی دوم تحقیق تأیید می شود. از این یافته می توان نتیجه گرفت که انگیزه های دینی (احساس تکلیف و وظیفه ی شرعی کردن) دختران را بیش از پسران برای جذب به بسیج برمی انگیزد.

۳- انگیزه های اقتصادی

برای بررسی تأثیر انگیزه های اقتصادی (کسب پول، درآمد، موقعیت شغلی و ...) در جذب دختران و پسران به بسیج، ابتدا سطح این انگیزه ها در هر یک از دو گروه محاسبه شد. آنگاه با استفاده از آزمون آماری t میانگین انگیزه ی اقتصادی دو گروه با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفت. نتیجه حاصل در جدول زیر درج شده است:

گروه	تعداد N	میانگین $\bar{x}$	انحراف معیار S	درجات آزادی df	t	sig
پسران	۱۱۵	۲/۲۵۰	۰/۲۱	۱۱۴	۰/۳۴	
دختران	۵۸	۲/۲۲	۰/۲۱			

جدول شماره ۳: مقایسه ی انگیزه ی اقتصادی دختران و پسران بسیجی

یافته های مندرج در جدول ۳ بیانگر آن است که انگیزه های اقتصادی به یکسان دختران و پسران را برای جذب به بسیج برمی انگیزاند. چون t محاسبه شده ($t = 0/74$) در سطح $P < 0/05$ کوچک تر از t جدول است بنابراین، فرضیه ی سوم تحقیق تأیید نمی شود. لیکن، همانگونه که میانگین های درج شده در جدول بالا نشان می دهد سطح انگیزه ی اقتصادی آزمودنی ها در حد متوسط است.

۴- انگیزه های سیاسی

چهارمین انگیزه های مورد بررسی در جذب نوجوانان به بسیج، انگیزه های سیاسی می باشد (منظور از انگیزه ی سیاسی، تمایل به فعالیت سیاسی و موضع گیری له یا علیه گروه های سیاسی و یا جزء آن است). میانگین انگیزه ی سیاسی دو گروه دختر و پسر به ترتیب ۲/۷۹ و ۲/۳۲ بود. این دو میانگین با استفاده از آزمون آماری t مورد مقایسه قرار

گرفتند. نتیجه‌ی حاصل نشان داد که t محاسبه شده ($t = 6/96$) در سطح $P < 0/01$ بزرگ‌تر از t استاندارد است. بنابراین، فرضیه‌ی چهارم تأیید می‌شود و از همین روی می‌توان نتیجه گرفت که انگیزه‌های سیاسی، پسران را بیش از دختران برای جذب در بسیج برمی‌انگیزد. علاوه بر این، همان‌گونه که میانگین‌های دو گروه نشان می‌دهد تمایل دختران برای فعالیت‌های سیاسی در بسیج کمتر از متوسط است.

اهمیت هر یک از انگیزه‌ها

برای بررسی هر یک از چهار انگیزه‌ی مورد بررسی در جذب به بسیج، از آزمون فریدمن استفاده شد. نتیجه‌ی حاصل نشان داد که اهمیت چهار نوع انگیزه‌ی مورد بررسی شده به ترتیب اهمیت به شرح زیر است:

۱- انگیزه‌های روانی ($X = 2/33$)

۲- انگیزه‌های دینی ($X = 2/32$)

۳- انگیزه‌های اقتصادی ($X = 2/24$)

۴- انگیزه‌های سیاسی ($X = 2/06$)

همان‌گونه که داده‌های بالا نشان می‌دهد انگیزه‌های روانی و دینی تقریباً سهم مشابهی در جذب جوانان به بسیج دارند. انگیزه‌های اقتصادی در مرتبه بعد از آن دو قرار می‌گیرند، و انگیزه‌های سیاسی در رتبه‌ی آخر جای می‌گیرند.

رابطه‌ی رضایت از فرماندهان بسیج و تمایل به ماندن در بسیج

برای بررسی رابطه‌ی رضایت بسیجیان از فرماندهان بسیج و تمایل آنان به ماندن در بسیج از آزمون آماری همبستگی پیرسون استفاده شد. نتیجه‌ی حاصل در جدول زیر درج شده است:

تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنی‌دار
۸۵	۰/۵۱	۰/۰۱

جدول شماره‌ی ۴، رابطه‌ی رضایت از فرماندهان و تمایل به ماندن در بسیج

همان گونه که جدول ۴ نشان می دهد بین میزان رضایت از فرماندهان بسیج و آمادگی و تمایل برای ماندن در بسیج ضریب همبستگی نسبتاً بالا و معناداری وجود دارد. بنابراین، این فرضیه در پایان تحقیق نیز تأیید می شود.

فرماندهان

عالی بسیج برای افزایش

تعداد اعضای خویش باید

زمینه را برای تحقق انواع

انگیزه های جوانان و

نوجوانان فراهم سازند

بحث در نتایج

یافته های این تحقیق نشان داد که انگیزه های دینی

و انگیزه های روانی بیش از سایر انگیزه ها موجب

گرایش نوجوانان به بسیج و جذب در آن نهاد می شوند.

در هر دوی این انگیزه ها نیز بین دختران و پسران تفاوت

معناداری وجود داشت. به عبارت دیگر، انگیزه ی دینی در دختران بیش از پسران بود، در

حالی که انگیزه های روانی پسران بالاتر از انگیزه های روانی دختران بود.

در این تحقیق انگیزه های دینی با شاخص هایی نظیر:

- دفاع از ارزش های اسلامی و انقلاب اسلامی.

- مبارزه با منکرات.

- دفاع از ولایت فقیه.

- احساس تکلیف شرعی برای دفاع از انقلاب اسلامی مورد اندازه گیری قرار گرفت.

همچنین، سه انگیزه ی روانی که در این تحقیق مورد اندازه گیری قرار گرفت عبارت بودند از:

۱- انگیزه ی پیش رفت.

۲- انگیزه ی قدرت.

۳- انگیزه ی پیوند جویی.

در تبیین سهم انگیزه های دینی در جذب نوجوانان به بسیج می توان اذعان نمود که در

یک جامعه ی دینی ممکن است گروهی از افراد جامعه، یک نهاد را متولی دفاع از

ارزش های دینی و ترویج هنجارهای مذهبی بدانند چنانچه شدت انگیزه ی دینی و معنوی

آنان بالا باشد، آنان رو به سوی آن نهاد می آورند تا انگیزه ی خود را برآورده سازند. به

همین سبب به نظر می‌رسد گروهی از نوجوانان جامعه بدین سبب به بسیج می‌پیوندند که از آن طریق بتوانند از ارزش‌های مذهبی و هنجارهای مبتنی بر آن ارزش‌ها دفاع کنند. در تبیین بالا بودن میزان انگیزه‌ی دینی دختران نسبت به پسران بسیجی می‌توان اذعان داشت که پسران از طرق دیگر نیز می‌توانند به دفاع از ارزش‌ها بپردازند. درحالی‌که بسیاری از دختران مذهبی جامعه معتقدند که در نهاد بسیج بهتر از هرجای دیگری قادرند از ارزش‌های دینی دفاع کنند.

در تبیین یافته‌ی اصلی دوم تحقیق نیز همان‌گونه که در بخش مربوط به مرور ادبیات موضوع گفته شد؛ می‌توان اذعان داشت که انگیزه‌های روانی (به‌ویژه سه انگیزه‌ی پیش‌رفت، قدرت و پیوندجویی) تأثیر زیادی در شکل‌دهی و استمرار رفتار جوانان و نوجوانان جامعه دارد. به‌ویژه جوانان و نوجوانان جویای نام و گسترش روابط هستند. از همین روی آنان به گروه و سازمانی می‌پیوندند که امکان برآورده شدن این نیاز و انگیزه‌ی آنان را فراهم سازد. تعدادی از جوانان و نوجوانان جامعه، به‌ویژه پسران، براین باورند که در جامعه‌ی اسلامی ایران با پیوستن به نیروی مقاومت بهتر می‌توانند انگیزه‌های اصلی خود را محقق سازند.

سرانجام یافته‌ی آخر تحقیق، بیانگر رابطه‌ی رضایت از فرماندهان بسیجی و تمایل به پیوستن و ماندن در بسیج بود. نیازی به گفتن نیست که نوجوانان نیازمند الگوهایی هستند که واجد ویژگی‌های مطلوب باشند. عاطفی بودن، مقبولیت و توانایی برآوردن نیاز به پذیرش و تأیید نوجوانان، از جمله ویژگی‌های مطلوبی است که یک فرمانده‌ی بسیجی با برخورداری از آن می‌تواند نوجوانان را جذب بسیج کند. شاید به همین سبب است که بنا به گزارش لباک (۱۹۹۱) ارتش‌های مردمی فرماندهان و مدیران خود را از میان کسانی برمی‌گزینند که واجد ویژگی‌های مذکور باشند.

حاصل کلام

نتایج این تحقیق بیانگر متفاوت بودن انگیزه‌های گروه‌های جنسیتی مختلف در

پیوستن به بسیج بود. به همین سبب، فرماندهان عالی بسیج برای افزایش تعداد اعضای خویش باید زمینه را برای تحقق انواع انگیزه‌های جوانان و نوجوانان فراهم سازند. از آن گذشته، آنان باید توجه داشته باشند که انگیزه‌های افراد جامعه گاهی بر اثر عوامل موقعیتی و شرایط اجتماعی ممکن است دست خوش تغییر شوند از همین روی آنان باید پیوسته به سنجش نگرش‌ها و انگیزش‌های افراد بپردازند و با فراهم ساختن زمینه‌ی مناسب و ارضای آن انگیزه‌ها بر تعداد اعضای نهاد خویش بیفزایند. سرانجام، همان گونه که ضریب همبستگی بین رضایت از فرماندهان و آمادگی برای ماندن در بسیج نشان داد، پدیده‌ی رضایت از فرماندهان به تنهایی قادر است حدود یک سوم تعادل به ماندن در بسیج را تبیین و پیش‌بینی کند. به همین سبب پیشنهاد می‌شود تنها کسانی مسؤول کار با جوانان و نوجوانان بسیجی شوند که واجد ویژگی‌های مناسب و الگوی مطلوب باشند.

							منابع
--	--	--	--	--	--	--	-------

- ۱- زینالی، علیرضا و الباسی، محمد حسین (۱۳۸۰) سنجش انگیزه های غالب بسیجیان - پروژه ی تحقیقاتی سازمان تحقیقات خودکفایی نیروی مقاومت (نمسا).
- ۲- خداپناهی، محمدکریم (۱۳۷۶). انگیزش و هیجان . تهران: انتشارات سمت .
- ۳- ریو، جان مارشال (۱۳۷۶). انگیزش و هیجان (ترجمه ی یحیی سید مهدی). تهران: نشر ویرایش .
- 4- Frankin, R. G. (2002). Human Motivation .us wads worth.-
- 5- Hebb, D. (1966). Motivation and Behavior . journal of social and Personality - Psychology, 15, 14-21.
- 6- Graumann, L. (1989). Human Emotion and Motivation www.socialpsychology.-
- 7- Petri, H.L. (1986) . Motivation : Theory and Research . London : Free press.-
- 8- Rapaport, L.S. (1990). The Theories of Motivation . Chicago: McNally-
- 9- Lock, E.A. (2001). Toward a Theory of task Motivation and Incentive . Chicago:- McNally
- 10- Bindera, R. (1986). Motivation and Emotion. London: Scott Foresman.
- 11- Baron. R.A. (1992). Psychology. Boston: Allymand Bacon.-
- 12- Labuc, S. (1991). Cultural and Social Factors In military Organization. Chichester: John-Wiley and Sons.
- 13- McClelland, D.C. (1985). The Achievement Motivation. Prnston: Nj.
- 14- Atkinson, J.W. (1986). Achivement Motivation and Test Anxiety. New York: -Academic Press.
- 15- Winter, W. (1987). Power Motivation and Job Successful. Boston: McNally.-